

# غدیر از نگاه مقام معظم رهبری

ادامه از صفحه اول

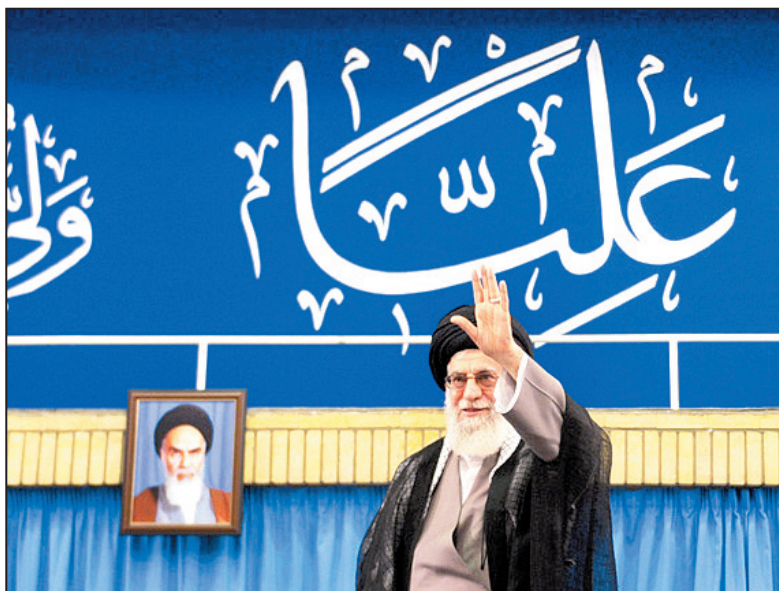
بنابر این باید مراقب باشیم که مسأله را طوری طرح کنیم که هم عقیده‌های خودمان ناراحت نشوند. البته باید عقیده خودمان را بیان و آن را تثبیت کنیم؛ اما اشتباهات و خطاها را هم برطرف کنیم.

۱۳۸۴/۰۹/۱۴

## مسأله غدیر، ورود نبی مکرم اسلام در امر مدیریت جامعه است

مسأله غدیر و تعیین امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاه والسلام) به عنوان ولی امر امت اسلامی از سوی پیامبر مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یک حادثه بسیار بزرگ و پرمعناست. در حقیقت دخالت نبی مکرم در امر مدیریت جامعه است. معنای این حرکت که در روز هجدهم ذی‌الحجه سال دهم هجرت اتفاق افتاد، این است که اسلام به مسأله مدیریت جامعه به چشم اهمیت نگاه می‌کند. این‌طور نیست که امر مدیریت در نظام اسلامی و جامعه اسلامی، رها و بی‌اعتنا باشد. علت هم این است که مدیریت یک جامعه، جزو اثرگذارترین مسائل جامعه است. تعیین امیرالمؤمنین هم - که مظهر تقوا و علم و شجاعت و فداکاری و مدیریت را روشن می‌کند. معلوم می‌شود آنچه از نظر اسلام در باب مدیریت جامعه اهمیت دارد، اینهاست.

کسانی که امیرالمؤمنین را به جانشینی بلافصل هم قبول ندارند، در علم و زهد و تقوا و شجاعت آن بزرگوار و در فداکاری او برای حق و عدل، تردید ندارند. این مورد اتفاق همه مسلمین و همه کسانی است که امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاه والسلام) را می‌شناسند. این نشان می‌دهد که جامعه اسلامی از نظر اسلام و پیغمبر، چه نوع مدیریت و زمامداری و حکومتی را باید به عنوان هدف مطلوب دنبال کند. در دیدار مردم پاکدشت در عید سعید غدیر، ۱۳۸۳/۱۱/۱۰



### عید غدیر، سنت ملی ماست

عید غدیر هم سنت ملی ماست؛ چون ملت ما دارای این عقیده و این محتوا و این هویت در ذهن خودش هست. یکی از کارهای دشمنان این است که ملت‌ها را از هویت خالی کنند. البته این قضیه، داستان مفصلی است و با دو کلمه، نه می‌شود ابعادش را نشان داد و نه می‌شود خطرش را آن‌چنان که هست، گوشزد کرد.

شما در محیط دانشجویی با این سیاست کلی که شناخته و ناشناخته و پنهان وجود دارد، باید مبارزه کنید و مبانی ارزشی را - مبانی ای که حقیقتاً تشکیل دهنده هویت ملت ایران است و می‌تواند آنها را پیش ببرد و صاحب همه چیز کند - حفظ کنید. ۱۳۸۲/۰۲/۰۸

### او عادل‌ترین شما در بین مردم است

نبی اکرم در بیان صفات امیرالمؤمنین می‌فرماید: «اعدلکم فی الرعیة»؛ او عادل‌ترین شما در بین مردم است. هم عدالت درونی و معنوی و فردی امیرالمؤمنین مراد است و هم عدالت رفتاری و عدالت اجتماعی او. اینها چیزهایی است که در زبان به آسانی می‌شود بیان کرد، اما در تحقق و تبلور در عمل است که انسان به عظمت این حقیقت و کسانی که تجسم این حقیقت بوده‌اند، پی می‌برد. عدالت به معنای واقعی کلمه در وجود امیرالمؤمنین، در رفتار او، در تقوی او و در توجه او حضور دارد. در رفتار بیرونی او هم عدالت تجسم پیدا می‌کند. امروز بعد از گذشت قرن‌ها، اگر بخواهیم عدالت را تعریف کنیم و آن را در ضمن مثال و نمونه بیان کنیم، هیچ مثالی رساتر و گویاتر از رفتار امیرالمؤمنین علیه‌السلام نمی‌توانیم پیدا کنیم.

این است که نبی اکرم او را به امر پروردگار و بسا نصب الهی به مردم معرفی و به مقام ولایت منصوب می‌کند. این یک حقیقت اسلامی است. این کجا و این که کسی معتقد باشد که هر ظالمی با هر شیوه و رفتار بازیگرانه‌ای توانست زمام قدرت را در دست بگیرد، مردم باید از او اطاعت کنند، کجا؟! این اسلام است یا آن؟!!

لذا مسأله غدیر با این مضمون والا متعلق به همه مسلمان‌هاست؛ چون به معنای حاکمیت عدل، حاکمیت فضیلت و حاکمیت ولایت‌الله است. اگر ما هم بخواهیم حقیقتاً از متمسکین به ولایت امیرالمؤمنین باشیم، باید خودمان و محیط زندگی‌مان را به عدل نزدیک کنیم. بزرگترین نمونه این است که هر چه بتوانیم، استقرار عدل کنیم. چون دامنه عدالت نامحدود است. هر چه بتوانیم عدل را در جامعه بیشتر مستقر کنیم، شباهت ما به امیرالمؤمنین و تمسک ما به ولایت آن بزرگوار بیشتر خواهد شد.

در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیر خم، ۱۳۸۱/۱۲/۰۱

### اوج مطلوب همه رسالت‌ها

امیرالمؤمنین علیه‌الصلاه والسلام در مقابله با خطرهای آن‌چنان شجاعانه عمل می‌کند که می‌گوید کسی نمی‌توانست با فتنه‌ای که من چشم آن را در آوردم - منظور، فتنه خوارج است - یا فتنه ناکثین درآفتد. آن معنویت و دین و اخلاق و فضیلت از یک طرف، آن بینش عمیق و شجاعت و فداکاری و عواطف رقیق انسانی در کنار صلابت و استحکام معنوی و روحی از طرف دیگر؛ همه اینها ناشی از عصمت است؛ چون خدای متعال او را به مقام عصمت برگزیده است و گناه و اشتباه در کار او وجود ندارد. اگر چنین کسی در رأس جامعه باشد، اوج مطلوب همه رسالت‌هاست. این معنای غدیر است. در غدیر، چنین کاری اتفاق افتاد.

در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) در روز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲

## حضرت علی (ع) و خطبه غدیر

ادامه از صفحه اول

نیکی‌کویی کنید تا خدا دوستی‌تان را پایدار دارد. از نعمت‌های خداداد یکدیگر را هدیه فرستید. خداوند در این روز، چندین برابر عیدها پادشاه دهد.

این گونه پاداشی را جز در این روز (غدیر) دیگر نخواهید یافت. نیکی‌کویی کردن در این روز، مال را بسیار کند و عمر را دراز. مهربانی کردن باعث رحمت خدا شود و مهربانی او، در این روز به برادران و به خاندان از مال خداداده ببخشید، هر اندازه که بتوانید. همواره چهره خندان دارید. چون به یکدیگر برسید، شادمانگی کنید و خدای را بر نعمت‌هایش سپاس دارید. بروید و به آنان که امیدشان به شماست، نیکی بسیار کنید. در خورد و خوراک، خود و زیر دستانتان یکسان باشید. این یکسانی و مساوات را تا جایی که توانایی دارید، عملی سازید که پاداش یک درهم در این روز، صد هزار درهم است، و برکت به دست خداست.

روزی این روز را نیز خداوند مستحب قرار داده است و در برابر آن پاداشی بس بزرگ نهاده. اما اگر کسی در این روز، نیاز برادران خود را برآورد - پیش از تمنا و درخواست - و با میل و رغبت خوبی کند، پاداش او آن‌چنان آن کس باشد که این روز را روزه داشته است و شب آن را با عبادت به بامداد رسانیده. و هر کس در این روز به روزه داری افطاری دهد، چنان است که گویی دسته دسته مردم را افطاری داده است...

همین که به یکدیگر برسید، همراه سلام، مضافه کنید، و نعمتی را که در این روز نصیبتان شده است، به یکدیگر تبریک گوید. باید این سخنان را آن که بود و شنید، به آن که نبود و نشنید برساند و باید توانگران به سراغ مستمندان روند و قدرتمندان به دنبال ضعیفان. پیامبر - که درود خدا بر او باد - مرا به این چیزها امر کرده است.

آمده است. اگر آدمی در این گونه آیات ژرف بیندیشد، بی‌گمان او را از راه باز دارد و اندرز دهد.

ای مؤمنان! بدانید که خدای - عزوجل - فرموده است: «ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص: خداوند آن کسان را دوست می‌دارد که در راه او می‌جنگند، با صفتی چونان بناهای استوار در هم پیوسته.» آیا می‌دانید مقصود از «فی سبیله» چیست و راه خدا کدام است؟

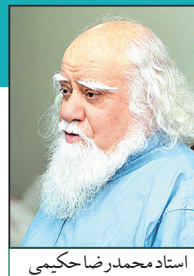
منم صراط خدا، که هر کس آن را نیپیماید (از او اطاعت نکنند)، در چاه گمراهی فرو افتد. منم راه خدا، که پس از پیامبر مرا نصب کرده و نشان داده است؛ منم قسم بهشت و دوزخ. منم حجت خدا، هم بر بدکاران و هم بر نیکی کاران.

از غنودن در غفلت بخیزید و پیش از فرارسیدن اجل عمل کنید و برای دست یافتن به آمرزش پروردگار بر یکدیگر پیشی بگیرید، پیش از آن که (رستخیز شوید و) با رویی برافرازند درون آن بهشت و برون آن دوزخ. آنگاه بانگ کنید و بانگتان نشنوند و غریو برکشید و غریوتان به هیچ نگیرند. به خود آبیید، پیش از آن که فریاد بخواهید و کس به فریادتان نرسد. شتاب کنید در طاعت، پیش از گذشتن فرصت. (پندارید که فرارسیدن روز پاداش بس دور است، بلکه همین حال است). چنین است که گویی دم لذات (تیه کننده خوشی‌ها = مرگ) در رسیده است. دیگر نه گریزگاه نجاتی هست و نه دور شدگه خلاصی. این مجمع اکنون به پایان می‌رسد و شما همگی روانه خانه‌های خویش می‌شوید. بروید - خدای بر شما رحمت فرستد - و بر خانواده خود فراق بگیرید. به برادران خود نیکی کنید. خداوند را بر این نعمت که شما را بخشیده است، سپاس گزارید. متحد شوید تا خدا کمکتان کند.

رهنمایان است. امروز، روز آشکار ساختن مقاصد پوشیده و زمینه سازی‌ها و تمهیدهای دیگران است. امروز، روز نص (تصریح) بر شخص است؛ یعنی آنان که ویژه اند رهبری را.

امام در آن روز همواره می‌گفت امروز ..... امروز ..... تا این که فرمود: اکنون، در اعمالتان مراقب خدای - عزوجل - باشید و از او بپرهیزید، و با او مکر نکنید و از راه فریب در مییابید. با اعتقاد به توحید و یگانگی خداوند و با اطاعت آن کس که شما را به اطاعت او امر کرده است، به خدای تقرب جوید. راه گمراهی مسپردید و از پی آنان که گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند، مروید.

خدای عزیز، گروهی را نگوئید که در کتاب خویش (از قول آنان) چنین فرموده است: «انا اطعنا سادتنا و کبرائنا فاضلونا السبیلارنا انا نتمهم ضعفین من العذاب والعنهم لعنا کبیرا؛ ما مهتران و بزرگان خویش را اطاعت کردیم و ایشان گمراهمان کردند. پروردگار ما! عذاب ایشان را دو چندان کن و برایشان لعنتی بزرگ فرست.» نیز فرموده است: «و اذا یتحاجون فی النار، فیقول الضعفاء للذین استکبروا انا کنالکم تبعاً، فهل انتم معنون عنا من عذاب الله من شیء، قالوا لو هانا الله لهدیناکم؛ و آنگاه که در دوزخ مشاجره کنند، پس ضعفا به آن‌که استکبار کردند و بزرگی فروختند گویند، ما پیرو شما بودیم، آیا اکنون می‌توانید اندکی از این عذاب را از ما بردارید، آن گردنکشان گویند، اگر ما به راه خدا رفته بودیم شما را نیز به راه می‌بردیم» اکنون، آیا می‌دانید که این استکبار (که در قرآن آمده است) چیست؟ استکبار ترک اطاعت آن کس (امام) است که خداوند امر به اطاعت آن کرده است، و گردن‌فرازی است در برابر آن کس که خداوند پیروی او را خواسته است. در قرآن از این گونه سرگذشت مستکبران بسیار



استاد محمد رضا حکیمی